

تبیین مولفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی - ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی

محسن عابدی درجه ۱

چکیده

حکمرانی مطلوب موضوعی است که محققان و دولتمردان در عصر کنونی جهت استحکام ساخت درونی قدرت‌ها به آن می‌پردازند. حکمرانی خوب را مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری تعریف می‌کنند. پژوهش حاضر با بیان برخی از مولفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب در خصوص تقویت و تکمیل مرحله سوم از مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن نوین اسلامی، یعنی شکل‌گیری دولت اسلامی به تبیین ویژگی‌های حکمرانی مطلوب شامل مشارکت، قانونمندی، شفافیت و جریان آزاد اطلاعات، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، محاسبه‌پذیری، اثربخشی و کارایی، دولت الکترونیک و فضای مجازی سالم، مردمی بودن و عدالت پرداخته شده است. این الگو در تحقق تمدن نوین اسلامی با گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. اما شکل‌گیری حکمرانی مطلوب در دولت اسلامی نیازمند انقلاب در دو وجه ساختارها و کارگزاران می‌باشد. وجه اول انقلاب در ساختارها است. به این معنا که نظامات و ساختارها بر اساس آموزه‌های دینی در آن بازنگری اساسی شود تا با کارایی و اثربخشی زیاد بتوانند به نحوی واقعی موتور محرکه انقلاب را همچون پیشرانی قدرتمند، با سرعت به جلو حرکت دهند. وجه دوم این انقلاب متوجه کارگزاران و مدیران دولتی است. این امر نیازمند تغییر سبک مدیریتی کارگزاران است. در واقع، تغییر الگوی حکمرانی از وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب بر اساس راهبردهای اسلامی ایرانی این امر را ممکن خواهد ساخت.

واژه‌های کلیدی:

حکمرانی، حکمرانی مطلوب، الگو، اسلامی - ایرانی، تمدن نوین اسلامی

۱- مقدمه

در دوره پس از جنگ جهانی دوم که مقارن با بازسازی ویرانی‌های جنگ در اروپا و طرح مارشال بود، اکثر نظریه‌پردازان و سیاستگذاران اعتقاد به «دولت بزرگ» داشتند و سازمان‌های دولتی به مثابه «قهرمان ملی» تصور می‌شدند. در کشورهای در حال توسعه نیز استدلال بر این بود که چون بخش خصوصی توان و سرمایه مورد نیاز برای «بسیج توسعه» ندارد، پس دولت از طریق سازمان‌های دولتی، منابع لازم را تهیه می‌کند. نظریه‌های اقتصادی کنزی نیز دولت را عامل تصحیح‌کننده شکست بازار می‌داند. اما دیری نگذشت که سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف‌پذیری لازم را ندارند و در معرض فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار، ضعیف و شکننده‌اند و باعث ضرر و زیان زیادی می‌شوند. نظریه‌های «دولت کوچک» و «دولت حداقلی» بر مبنای واگذاری امور به بخش خصوصی متأثر از مکتب شیکاگو و نئولیبرالیسم، نیز نتوانست مشکلات دولت را مرتفع کند. دیدگاهی که مدعی بود که دولت نه تنها «عامل توسعه» نیست بلکه «مانع توسعه» است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۶). بنابراین فساد مالی، بی‌عدالتی در ساختار نظام دیوان‌سالاری دولت، عدم کارایی نظام اقتصاد بازار، رکود

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اقتصادی، بدهی‌های سنگین مالی کشورها که در پی اخذ وام از نهادهای بین‌المللی مالی (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) و مناسبات میان کشورها شکل گرفته بود، فقدان یا میزان اندک نقش مردم و نهادهای مردمی در تصمیم‌گیری محلی و ملی و دخالت مستقیم دولت در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی، باعث شکل‌گیری «گاورننس نامطلوب» Bad Governance شده بود. این عوامل در بسیاری از کشورها و به ویژه در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، باعث عدم مقبولیت سیاسی نظام‌های سیاسی از جانب مردم شد. در چنین شرایطی در دهه ۱۹۸۰م، جنبش‌های طرفداران دموکراسی بومی در آمریکای لاتین، اروپای شرقی و سایر نقاط جهان به منظور مقبولیت مردمی نظام‌های سیاسی، «گاورننس مطلوب» Good Governance را که بر اهمیت نظر شهروندان و حساب‌پس‌دهی دولت‌ها تأکید می‌کرد، پیشنهاد کردند (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۷). جمهوری اسلامی ایران نیز پس از انقلاب اسلامی با روی کار آمدن دولت‌های لیبرالی و دریافت وام از نهادهای بین‌المللی مالی، نارضایتی عمومی در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی را در بین مردم شکل دادند به گونه‌ای که منجر به نظام طبقاتی شدید بین سطوح فقیر و غنی جامعه شد. اما باید گفت؛ انقلاب اسلامی در ایران که به منظور تحقق اهداف متعالی اسلام و حاکمیت نظم اسلامی در کشور و صدور آن به اقصی نقاط جهان شکل گرفت، پس از پیروزی با خلاء وجود نظام‌های مختلف در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، امنیتی، محیط زیستی، علمی و فناوری و دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی در قالب شکل‌گیری حکمرانی مطلوب مواجه شد و برخی از تئوریسین‌های انقلاب نظیر شهیدان بهشتی، مطهری، محمدباقر صدر، مفتوح و حتی مقام معظم رهبری هدف ترور استکبار جهانی قرار گرفتند تا مانع پایه‌ریزی نظامات اسلامی در کشور شوند. اما پس از تحولات انقلاب اسلامی دو دیدگاه کلی در بین سیاستمداران کشور حکمفرما بود، دیدگاه اول که منشعب از افکار اسلام‌گرایانه حضرت امام خمینی^(ع) و مقام معظم رهبری و همفکران آن‌ها بود که مبنای آن پایه‌ریزی نظامات کشور بر اساس اصول اسلامی، پیشرفت و عدالت بود. و دیدگاه دوم؛ منشعب از افکار لیبرال مآبانه و روشنفکرانه افرادی نظیر هاشمی رفسنجانی و همفکران وی بود. افکار گروه دوم در ابتدای انقلاب اسلامی با کمی اختلاف با افکار گروه اول در یک راستا بود؛ اما با گذشت زمان و بر اساس مبنای فکری برخی کارشناسان حاضر در گروه دوم که عمدتاً در دانشگاه‌های خارج از کشور فارغ‌التحصیل شده بودند و همچنین سفرهای خارجی برخی از سیاستمداران به کشورهای توسعه یافته (کشورهای اروپایی و ژاپن) در شرق و غرب عالم، رفته رفته تفکر توسعه به هر قیمت در بین گروه دوم نضج یافت. از سوی دیگر، از منظر غرب توسعه و از دیدگاه اسلام پیشرفت را اگر حرکت از «وضعیت موجود» به «وضعیت مطلوب» بر اساس «راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب» تعریف نمائیم؛ الگو، برنامه و طرحی است که بر مبنای آن می‌توان چرخ‌های گوناگون کشور نظیر اقتصاد، فرهنگ، علم و فناوری و همچنین رفتارهای سیاسی، اجتماعی و کارکردهای امنیتی و محیط‌زیستی و غیره را با گام‌هایی بلند به پیش راند. به هر حال با تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، افق و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۴۴ تحقق پیشرفت و عدالت و قرار گرفتن در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا است به نحوی که دارای ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی ایرانی باشد. لیکن باید این واقعیت را پذیرفت که در زمان کنونی و پس از مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی شکل گرفت، اما اکنون در مرحله دولت اسلامی مولفه‌های گوناگونی نظیر وجود فساد اداری و مالی، عدم شفافیت امور سیاسی، اداری، مالی و غیره، نسبی بودن حاکمیت قانون، عدم اثربخشی دولت‌ها و دیگر پارامترهایی که از مختصات حکمرانی نامطلوب است در دولت و جامعه قابل مشاهده است که متأسفانه برخی از آن‌ها نیز نهادینه شده است. لذا دغدغه پژوهشگر تبیین مولفه‌های حکمرانی مطلوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی در مقاله حاضر است.

۲- روش تحقیق

گردآوری این پژوهش به بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی- پژوهشی بوده و به روش توصیفی- تحلیلی به بررسی و تبیین نقش حکمرانی مطلوب در تحقق تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است، همچنین تحقیق از حیث نوع، توسعه‌ای- کاربردی است.

۳- مفاهیم و مبانی نظری

۳-۱- الگوی اسلامی- ایرانی

الگو، به معنی سرمشق، مُقتَدی، اُسوه، قدوه، مثال و نمونه می‌باشد (دهخدا، ۱۳۸۸: ۲۵۵). الگو، معادل کلمه Model در زبان انگلیسی است. «یک مدل، یک الگو، طرح، معرفی (به‌ویژه کوتاه)، یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است» (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۶۳). در واقع الگو را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد، دکترین، سرمشقا، راهبردهای کلی، نمونه‌ها، مدل‌ها، رویه‌ها و مواردی شبیه به این دانست که پیش‌نیاز انجام فعالیت‌های جزئی و کلی و برای کارهایی که قرار است با برنامه‌ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت کند و بخواهد به اهداف پیش‌بینی شده دست یابد، تعریف کرد (مختاریان‌پور، ۱۳۹۵: ۱۲). مقام معظم رهبری نیز الگو را این‌چنین تعریف می‌کنند: «الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای این که آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد با آن الگو تطبیق داده شود» (وکیلی، ۱۳۹۲: ۱۱۳۶-۱۱۲۵). از طرفی دیگر الگو را می‌توان، تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل، البته قابل دست یافتن (جامعه مطلوب) دانست. الگو باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها و خطوط درشت و نقشه راه باشد (مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۱). اگر الگویی قید اسلامی و ایرانی را داشته باشد، شروط لازم و کافی آن وجود ویژگی‌ها و مشخصاتی است که از منظر اسلامیت و ایرانیت به آن اضافه شده باشد. لذا بخش مبانی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شامل شش زیربخش: مبانی خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی، و دین‌شناختی است. این الگو در زیربخش مبانی خداشناختی اساس و محور حیات فردی و اجتماعی مومنان را محور قرار دادن خداوند و توحید بیان می‌نماید و از صفات او یکتایی، رحمانیت، رحیمیت، علیم و حکیم و غنی و ربّ و هادی و شارع و مالک و حاکم و عادل و واسع و ولی و حامی بودن است. همچنین در زیربخش جهان‌شناختی اعتقاد به غیب و شهود، مراتب روحانی و مادی، دنیوی و اخروی، نظام علی و معلولی حاکم بر جهان، جهان محل عمل و آزمایش و در خدمت انسان بودن جهان مادی جهت تکامل و تعالی معنوی از آموزه‌های آن است. در زیربخش انسان‌شناختی دستیابی به مقام قرب و خلیفه‌اللّهی، ساحات جسمانی و روحانی انسان، ابعاد فطری انسان شامل خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های متعالی، کمال و سعادت اختیاری انسان، حیات پس از مرگ، توجه به حقوق انسان و اجتماعی بودن او از آموزه‌هایی است که برای شناخت انسان معرفی شده است. در خصوص زیربخش جامعه‌شناختی، جامعه را به عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، ساخت‌یافتگی جامعه مبتنی بر فرهنگ، خانواده به عنوان بنیادی‌ترین واحد جامعه، تأثیر سنن الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر بر جامعه، حاکمیت سنت‌های الهی در جامعه، تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناورانه در تغییرات اجتماعی، ابتدای جامعه دینی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی، جهت‌گیری تاریخ به سوی آینده‌ای پیشرفته در تمام ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان، تقوا و رهبری امام معصوم (علیه السلام) و پیشرفت حقیقی از مبانی جامعه‌شناختی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد. زیربخش مبانی ارزش‌شناختی آن نیز مشتمل بر

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ریشه ارزش‌ها در واقعیت و ثابت، مطلق و جهان‌شمول بودن اصول، اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت قابل شناسایی و تفصیل آن از طریق کتاب و سنت، جریان ارزش‌ها در ساحت‌های ارتباطی انسان با خدا، خود و خلق و خلقت و همچنین ارزش‌ها را موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی قابل تحقق می‌داند. در زیربخش دین‌شناختی، دین کامل، جهان‌شمول و نهایی را اسلام و مبلغان آن را پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) و این که دین دستگاهی جامع معرفتی - معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی نازل شده، هماهنگی اسلام با نظام هستی و سرشت انسان با نقشی بی‌بدیل در تأمین نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی مورد تأکید اسلام است و وحی، مایه شکوفایی عقل محسوب می‌شود. هر الگویی یک سری از آرمان‌هایی دارد که مبتنی بر مبانی آن الگوست. آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت‌دهنده پیشرفت است. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی. همچنین این رسالت الگو؛ حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران می‌باشد. درباره الگوی اسلامی - ایرانی؛ مقام معظم رهبری در بیاناتی که در نخستین نشست اندیشه راهبردی در دهم آذرماه سال ۱۳۸۹ فرمودند: «در خصوص «ایرانی» بودن الگو؛ شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد. این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آن چه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین این الگو ایرانی است. از طرف دیگر، «اسلامی» است؛ به خاطر این که غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۶). بنابراین اسلامی هم به این مناسبت است. البته این که ما می‌گوئیم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه، ما برای به‌دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌پسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه آن چه که در دنیای معرفت وجود دارد و می‌شود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد» (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۵). الگوی پیشرفت همان «برنامه‌ریزی بلندمدت» برای یک دوره ۵۰ تا ۱۰۰ ساله است؛ چرا که برنامه‌ریزی عبارت است از «یک جریان آگاهانه انتخاب و تعیین اولویت‌ها به منظور تصمیم‌گیری در مورد آوردن آینده به زمان حال، تا بتوان با تعیین هدف‌های درست و انتخاب مسیر مناسب و تعیین فعالیت‌های اثربخش جهت تحقق هدف‌های یادشده، کاری برای آن انجام داد. برنامه‌ریزی چیزی نیست جز شناخت دقیق و صحیح وضع موجود در تعیین فرایند رسیدن به وضع مطلوب که در آن باید تعیین کرد چه فعالیتی و کاری؟ چگونه و با چه روشی؟ از سوی چه کسی یا

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

سازمانی؟ با کمک چه کسانی یا سازمان‌هایی؟ در کجا؟ در چه زمانی؟ با چه هزینه‌ای؟ و با چه وسایل و ابزار و منابعی؟ انجام شود تا از وضع موجود به وضع مطلوب در آینده دست یافت (قاضی‌زاده، ۱۳۸۸: ۷).

۲-۳- حکمرانی

واژه «حکمرانی» واژه جدیدی است که در رابطه با واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم روشنی ندارد. در فرهنگ لغت آمریکایی «هریتیج» واژه «حکمرانی» به عنوان «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکمراندن؛ دولت» معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی نه تنها تعریف واژه «حکمرانی» وجود ندارد بلکه در نمایه آن نیز چنین واژه‌ای درج نشده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۱۹۳). در یکی از گزارش‌های بانک جهانی درباره آفریقا، حکمرانی به صورت «اعمال قدرت سیاسی به منظور اداره امور یک ملت» معنا شده است (World Bank, ۱۹۸۹: ۶۰). همچنین بانک جهانی «حکمرانی را به عنوان روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود» تعریف می‌کند، در حالی که بوئینگر حکمرانی را به عنوان «دولت مطلوب جامعه» تعریف می‌کند (Lateef, ۱۹۹۲: ۲۹۵). در یک نشست مشترک از بانکداران و مؤسسات تجاری که در اکتبر ۱۹۹۴ در مانیل برگزار شد «میشل کامدسوس» حکمرانی خوب را تعریف کرد. پنجمین شرط او «برای دستیابی به رشد با کیفیت بالا این است که دولت به جای آن که به نفع بخش‌های خاصی از جامعه فعالیت کند باید به کل جامعه خدمت کند» (IMF, ۱۹۹۴: ۳۰۰). همچنین «لاندر-میلز و سراجدین» حکمرانی را چگونگی حکومت کردن و فرمان دادن بر مردم و چگونگی اداره و تنظیم امور دولت معنا کرده‌اند. این مسأله به نظام سیاسی یک ملت و چگونگی عملکرد آن در ارتباط با اداره امور عمومی و قانون بر می‌گردد. بنابراین مفهوم حکمرانی دارای یک بعد سیاسی است (Lateef, ۱۹۹۲: ۳۰۴). از طرف دیگر، نلسون سه جزء حکمرانی را تحت عناوین دولت خوب و توسعه از هم تفکیک کرد. شاید دقیق‌ترین تعریف حکمرانی در گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی یا «همسایگی جهانی ما» آمده باشد: «حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند. حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدام همکاری‌جویانه اتخاذ می‌گردد. حکمرانی شامل نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای تضمین رعایت قانون قدرت پیدا کرده‌اند، همچنین قرارهای غیررسمی که مردم و نهادها بر سر آن‌ها توافق نموده‌اند یا درک می‌کنند که به نفع آن‌ها است» (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۱۹۴). در واقع حکمرانی را می‌توان به نوعی اعمال مدیریت، رهبری و فرماندهی بر مجموعه‌ای از انسان‌ها در سطوح مختلف از خرد تا کلان بر اساس وضع قوانین و مقررات در امورات مختلف جامعه و اعمال نظر بر اقتصاد، فرهنگ، امنیت، امور اجتماعی و دیگر شئون یک کشور برای نیل به هدفی که از قبل ترسیم شده است.

۳-۳- حکمرانی مطلوب

پس از شکل‌گیری مفهوم گاورننس در دهه ۱۹۸۰م، بسیاری از اندیشمندان، نهادهای مدنی و سازمان‌های بین‌المللی به منظور تأکید بر تحول و ساختار جدید اداره امور کشور بر مبنای معیارهای جامعه مدنی و مقبولیت مردمی، اصطلاح گاورننس را ارتقا داده و نظریه گاورننس مطلوب را ارائه کرده‌اند. آشکار است که تحولات صورت گرفته بر گاورننس مطلوب همان تحولات گاورننس است و تفاوت مفهومی و ساختاری زیادی با یکدیگر ندارند؛ اما نباید از نظر دور داشت که در نظریه گاورننس مطلوب تأکید بیشتر بر دستاوردهای عینی و بهبود کیفیت ادراک امور کشور است

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

که با تعیین شاخص‌ها، معیارها، عوامل و عناصر سازنده این مکانیزم، قابل ارزیابی و سنجش است. از این رو گاورننس مطلوب الگویی مناسب و چارچوبی سیستماتیک دارد که در صورت آماده‌سازی بسترها و زیرساخت‌های ملی و محلی، قابلیت اجرایی و عملیاتی شدن دارد. این در حالی است که نظریه گاورننس، مفهومی کلی، انتزاعی، با چارچوب گسترده و مبهم با رویکردی آرمان‌گرایانه و فراتر از کتب قانون است که به عنوان یک رویکرد یا استراتژی کلی مطرح شد، اما زمینه‌ساز و زیربنای گاورننس مطلوب گشت (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۸-۱۰۷).

۳-۴- تمدن نوین اسلامی

تمدن به معنای کلی عبارت است از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی. وقتی می‌گوئیم ساخته‌های انسانی، مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد، بنابراین ساخته انسانی در برابر ساخته طبیعت قرار می‌گیرد (شریعتی، ۱۳۸۹: ۵). از نظر هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷). تمدن از نظر لغوی عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهرنشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و به طور خلاصه روش‌ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (مجیرشیبانی، ۱۳۳۷). در ادبیات فارسی، تمدن به معنای همکاری افراد جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انس گرفتن با آداب و اخلاق شهریان بکار می‌رود (معین، ۱۳۷۵). علت نیاز بشر به تمدن در طبع خود بشر نهفته است، و چون بشر مدنی‌الطبع است، حتماً نیازمند حیات اجتماعی است و این حیات اجتماعی را تمدن می‌گویند. واژه تمدن و واژه فرهنگ یا Culture واژه‌هایی هستند که عملاً به همدیگر پیچیده‌اند. طاهرزاده به نقل از فردریک بارنارد می‌نویسد: «در مواردی تکامل روحی یا معنوی انسان را با فرهنگ یکی دانسته‌اند، و در مواردی با تمدن. گاهی از فرهنگ به عنوان جزء خاصی از تمدن بحث می‌شود و گاهی نیز فرهنگ را لفظی کلی‌تر محسوب کرده‌اند و حال آن که تمدن به فرهنگ شهرها محدود شده است.» در مجموع شاید بتوان این طور گفت که «فرهنگ» همان مبادی فکر می‌باشد که منشأ حرکات افراد می‌گردد، که در بحث ما اسلام به عنوان مبادی فکری مورد نظر است و در مورد «تمدن» از یک جهت با اشیپنگلر هم عقیده هستیم که می‌گوید: «تمدن، ظهور نهایی فرهنگ است» و از یک جهت به اصل واژه Civilization یا مدنیّت و توجه به شهری و جمعی بودن طبع انسان می‌نگریم (طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۲۴). همچنین تاملین معتقد است مقصد تمدن انسانی ایجاد مناسبات انسانی است به این معنا که هرگاه جامعه‌ای شکل گیرد و در آن مناسبات انسانی ایجاد شود و این مناسبات استعداد و قریحه خدادادی انسان را شکوفا کند می‌توانیم آن را تمدن بنامیم (تاملین، ۱۳۸۵: ۴۹). ویل دورانت در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. تمدن دارای چهار رکن و عنصر اساسی است که شامل: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، و کوشش در راه معرفت و بسط هنر می‌شود» (دورانت، ۱۳۹۰: ۳). شهید مطهری نیز ضمن انتقاد از تمدن غربی که در آن به ارزش‌های حقیقی انسان توجهی نمی‌شود، تمدن حقیقی را مجموعه‌ای بر می‌شمارد که ابتدا «کمال و استعدادهای انسان را تعریف کند و بعد کمال جامعه را که همان کمال انسان است مشخص کند که جامعه در چه نظامی می‌تواند انسان را به نهایت استعدادهای خودش، به کمال فرهنگی خودش، به کمال معنوی خودش برساند» (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۴۲). هنری لوکاس، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶: ۱۶-۷). «تمدن اسلامی» یعنی نوعی از زندگی که انسان‌ها بتوانند به تمام ابعاد مادی و معنوی خود به کامل‌ترین شکل جواب دهند (طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۳۴).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به لحاظ تاریخی نیز تمدن اسلامی به عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ بشری حاصل مبانی دین اسلام و باور به آن‌ها بوده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۶) شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین در آمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدن عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند» (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۴-۱۳). تمدن نوین اسلامی از رهگذر بازخوانی مجدد تمدن اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان و بازسازی مفهومی و عملی نظام اعتقادی اسلام قابلیت آن را دارد که در دوران گذار در نظام بین‌الملل به نقش آفرینی در هندسه جدید قدرت جهانی بپردازد. نظر به این که اسلام نه محدود به مکانی خاص و نه مختص به طبقه‌ای خاص است بلکه متعلق به تمامی بشریت با افقی وسیع است تا برادری انسانی تحقق بخشد، تمدن نوین اسلامی که بر نظام اعتقادی اسلام و آموزه‌های آن برای تحقق وظایف مختلف دینی متناسب با دنیای جهانی شده استوار است، قابلیت آن را دارد که دستورات، سنت‌ها و آیین ناشی از مجموعه اعتقادات اسلامی را فارغ از هر گونه تبعیض نژادی، قومی و زبانی تحقق بخشد. تمدن نوین اسلامی ضمن تحکیم اخوت و برادری همه گروه‌های قومی و نژادی، این امکان را برای آنان فراهم می‌آورد که با یکدیگر در زمینه‌های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی همکاری کنند و به توسعه زندگی فکری و فرهنگی خود در سطح فراملی اقدام نمایند (دهشیری، ۱۳۹۴: ۹۵). تمدن یک واژه عربی است که از ریشه مدینه و به معنای شهر و شهرنشینی گرفته شده و به معنای به سوی عقل و انسانیت و نظم دادن به امور زندگی و به اخلاق شهری گرائیدن تفسیر شده است (زمانی، ۱۳۴۸). واژه تمدن قربت بسیار زیادی با واژه مُدُن در مفهوم سیاست مُدُن، یکی از سه زیربخش حکمت عملی دارد. در واقع می‌توان گفت در سیاست مدن، امورات سیاسی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهر و کشور توسط مدیران و سیاستمداران در جهت نیل به پیشرفت همراه با عدالت برنامه‌ریزی و اجرا می‌گردد.

۴- بحث و یافته‌های تحقیق

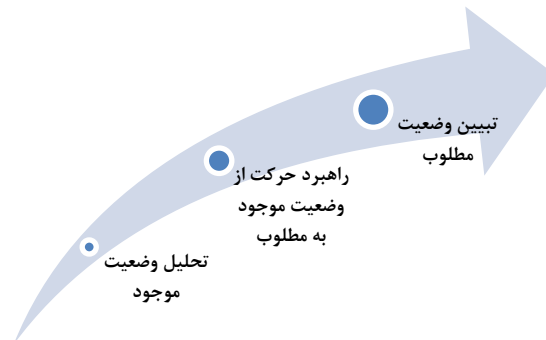
۴-۱- حکمرانی و پیشرفت

واژه پیشرفت اولاً: بومی و قابل فهم است، نه وارداتی، و بار معنایی ناسازگار با مبانی و ارزش‌های اسلامی را ندارد. ثانیاً: توسعه مفهومی ایستا و پیشرفت مفهومی پویا دارد. توسعه به یک وضعیت مطلوب گفته می‌شود، پیشرفت به حرکت رو به هدف گفته می‌شود (مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۲۱). واژه پیشرفت معادل واژه توسعه در ادبیات علمی کلاسیک و مرسوم است. توسعه ترجمه کلمه Development است و از ادبیات علمی غرب به عاریت گرفته شده است. در این ادبیات توسعه‌یافتگی و راهبردهای توسعه مبتنی بر دئیسم، شکاکیت یا انکار خداوند، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه، تفسیر و تعیین می‌شود. علت انتخاب واژه پیشرفت به جای توسعه، احتراز از بار بینشی و ارزشی همراه واژه توسعه است. در تعریفی عام که بر اساس همه بینش‌ها و منش‌ها درست است، پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. بر این اساس، الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد: ۱- تحلیل وضعیت موجود؛ ۲- تبیین وضعیت مطلوب؛ ۳- راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. الگوهای پیشرفت، دست کم در یکی از این سه با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی حاکم بر این الگوهاست؛ چیزی که از آن با عنوان متاپارادایم الگوهای توسعه یاد می‌شود. در یک نگاه کلان با رد عقائد پوزیتیویست‌ها، علوم انسانی سه وظیفه فوق را بر عهده دارند. علوم انسانی در بخش اثباتی به وظیفه دوم و در بخش هنجاری یا دستوری به وظیفه اول و سوم می‌پردازند. علوم انسانی موجود، این سه وظیفه را از طریق تئوری‌هایی انجام می‌دهند که غالباً مبتنی بر جهان‌بینی و ارزش‌های

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

غیراسلامی است (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۷۰-۶۲). در واقع، در حکمرانی مطلوب، با تشخیص و تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و احصاء نیازها، معایب، نواقص و موانع موجود، وضعیتی مطلوب را تبیین و ترسیم می‌نمایند تا به عنوان نقشه راه پیشرفت ملاک و معیار و میزان قرار گیرد، این معیارها را راهبرد حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب می‌گویند. به عبارت دیگر، این حرکت یک سیر تکاملی از الگوی حکمرانی مطلوب جهت پیشرفت در یک کشور یا دولت می‌باشد.

شکل ۱: سیر تکاملی الگوی حکمرانی مطلوب؛ (منبع: نگارنده)



عرصه‌های پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: عرصه فکر، عرصه علم، عرصه زندگی نظیر امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون و حکومت و عرصه چهارم عرصه معنویت است که از همه مهم‌تر و روح و نتیجه همه این‌هاست (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۷). از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه در معنای کلی در چهار زیرمجموعه اشاره دارد که عبارتند از: توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی (ازکیا، ۱۳۷۷: ۲۱-۱۸). به طور کلی، عرصه‌های نظام‌سازی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارتند از: عرصه اقتصاد، عرصه سیاست، عرصه فرهنگ و اجتماع، عرصه علم و فناوری، عرصه نظامی و امنیتی و عرصه محیط زیست. البته یک نکته را باید مدنظر قرار داد و آن این است که مقام معظم رهبری تحولات پس از انقلاب اسلامی را در قالب چند مرحله تشریح نموده‌اند. «ایشان از منظر آینده‌نگرانه، تشکیل دولت اسلامی را مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن اسلامی دانسته‌اند. به اعتقاد ایشان «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد، تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد، تشکیل کشور اسلامی است و مرحله بعد، تشکیل تمدن بین‌المللی اسلامی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳). ایشان لازمه تمدن‌سازی را دستیابی به علم و فن‌آوری دانسته‌اند و بر اهمیت فکر و نیروی انسان تأکید نموده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴). بدین ترتیب، می‌توان گفت در اندیشه ایشان چشم انداز پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران برای آینده، به دنبال تشکیل تمدن است. این تمدن، بُعدی بین‌المللی دارد که دستیابی به آن، مستلزم طی چهار مرحله راهبردی یعنی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی و تشکیل کشور اسلامی است. آنگاه با تشکیل یک کشور که به تمام معنا اسلامی باشد، این کشور الگویی برای سایر جوامع اسلامی خواهد بود و نظایر آن در دنیا تشکیل می‌گردد و جهان، شاهد تمدن نوین اسلامی خواهد شد. تمدنی که در آن علم، قدرت و ثروت در خدمت رستگاری و تحقق عدالت در جامعه بشری خواهد بود و در آن علم و معنویت، توأمان خواهند بود. به اعتقاد ایشان، لازمه تحقق تمدن یاد شده، تقوای فردی و جماعت و اُمت و دستیابی مسلمانان به قله‌های علمی در حوزه جهانی است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹-۲۹). اما باید گفت که بنا به

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

فرمایشات ایشان ما فقط از دوران انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی گذشته‌ایم و با گذشت چهل سال از انقلاب، هنوز در مرحله سوم یعنی تشکیل دولت اسلامی باقی مانده‌ایم.

شکل ۲: سیر تکاملی مراحل ۵ گانه تحقق تمدن نوین اسلامی با اجرای حکمرانی مطلوب؛ (منبع: نگارنده)

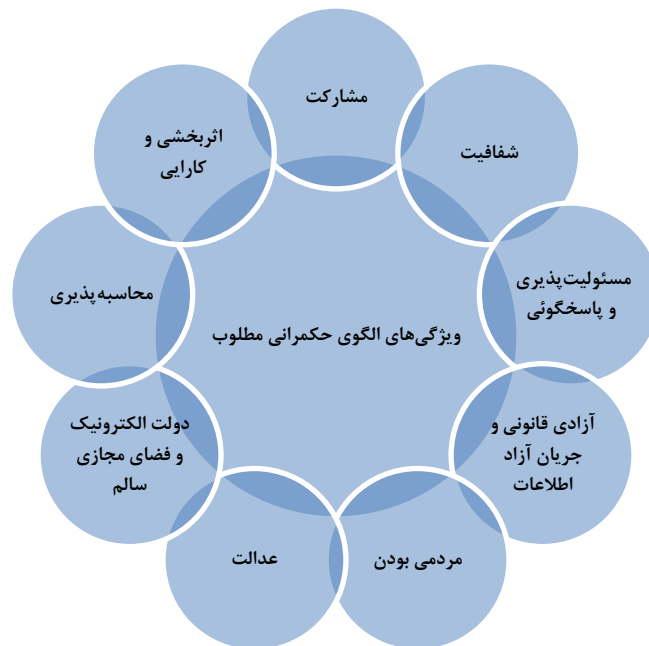


۴-۲- حکمرانی مطلوب

برنامه عمران سازمان ملل حکمرانی خوب را مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری تعریف می‌کند (Johnson, ۱۹۹۷: ۹). موضوع محوری حکمرانی خوب چگونگی دست‌یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای مردم‌سالار و برابر خواهانه باشد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵۹). بر اساس تعریف برنامه توسعه سازمان ملل، گاورننس مطلوب در میان سایر الگوهای اداره امور عمومی، مشارکتی‌تر، شفاف‌تر، و حساب‌پس‌ده‌تر است. این الگو مؤثر و منصف و به دنبال ارتقای حاکمیت قانون است. گاورننس مطلوب تضمین می‌کند که اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر اساس رضایت یا وفاق گسترده در جامعه ایجاد می‌شود، صدای اقشار مستضعف و آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌شود و سهمی از منابع به آن‌ها اختصاص داده می‌شود (Raco, ۲۰۰۹: ۶۲۳). همچنین بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، ویژگی‌های بنیادی گاورننس مطلوب، مشارکت، قانونمندی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، محاسبه‌پذیری، جهت‌گیری هماهنگ، اثربخشی و کارایی، برابری و پاسخگویی است (UNDP: ۲۰۰۴).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

شکل ۳: ویژگی‌های الگوی حکمرانی مطلوب در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ (منبع: نگارنده)



اتحادیه اروپا نیز در مقاله سفید، به عنوان نظام‌نامه گاورننس، پنج اصل زیربنایی گاورننس مطلوب را، آزادی، مشارکت، حساب‌پس‌دهی، کارآمدی و انسجام می‌داند که این موارد باید در همه سطوح دولت از سطح محلی تا جهانی به کار گرفته شود. به نظر می‌رسد گاورننس مطلوب فقط مدیریت کارآمد منابع مالی و اقتصادی یا ارائه خدمات عمومی ویژه نیست؛ بلکه مشتمل بر یک استراتژی اصلاحی وسیعی برای تقویت نهادهای جامعه مدنی است که حکومت را بازتر، پاسخگوتر، حساب‌پس‌ده‌تر و دموکراتیک‌تر می‌سازد (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۸۲).

۴-۲-۱- مشارکت

مشارکت قرآینی است که در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۴). مشارکت مستقیم مردم در قانون‌گذاری، خالص‌ترین و واقعی‌ترین جنبه مشارکت و عالی‌ترین جلوه حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت زندگی سیاسی و اجتماعی خود است (رستمی، ۱۳۸۷: ۱۸۱-۱۷۹). مشارکت می‌تواند به وسیله رأی دادن در انتخابات، حضور در جلسات شورا، تقاضای خدمات، استماع عمومی، ارائه پیشنهادها، بیان عقاید و نظرها درباره شیوه‌های بهتر اداره امور عمومی و مسئولیت‌پذیری باشد (Erikson & Tedin, ۲۰۰۴). به عبارت دیگر تصمیم‌گیرندگان باید آراء و نظرهای شهروندان را در تصمیم‌گیری لحاظ کنند و نمایندگان نسبت به تصمیم‌گیری خود در برابر مردم پاسخگو باشد (Bailey & Elliott, ۲۰۰۹: ۴۴۸). کوهن معتقد است که قوام دموکراسی به مشارکت است (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۸). دیوید هلد، یکی از خصوصیات اصلی دموکراسی تکاملی را مداخله شهروندان در شاخه‌های مختلف حکومت از طریق رأی دادن، مشارکت گسترده در حکومت، بحث‌های عمومی و خدمات قضایی می‌داند (هلد، ۱۳۷۸: ۱۶۴).

۴-۲-۲- شفافیت و جریان آزاد اطلاعات

شفافیت به این موضوع اشاره دارد که سیاست‌های کلی و خط‌مشی‌های سطوح مختلف کشور، خارج از دیدگاه عمومی مردم، تصمیم‌گیری نشود. به عبارت دیگر اگر تصمیم‌گیری‌ها، پشت پرده گرفته شود و نقش مردم و خواسته‌های مردمی در آن لحاظ نگردد، شفافیت ندارد. بر این اساس شفافیت جریان آزاد، فراگیر، جامع و به‌هنگام صحیح اطلاعات شکل می‌گیرد. فرایندی که حذف سانسور را تقویت کرده و به ارائه و انتشار اخبار و اطلاعات از طریق رسانه‌های عمومی فراگیر (تلویزیون، رادیو، سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و سالنامه‌ها) که به وسیله هیئت‌های تخصصی نظارت و ارزیابی مستقل پالایش شده‌اند، منجر می‌شود. شفافیت دارای ابعاد گوناگونی است که مهم‌ترین آن شفافیت مالی و پولی است. اصلی‌ترین شاخص شفافیت دولت‌ها آن است که میزان و نحوه کسب درآمدها و مصارف آن را به طور دقیق توضیح و نمایش دهند (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). بنابراین قدم اساسی برای شفافیت مالی، تعریف و اجرای استانداردهای ثبت و انتشار اطلاعات است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵۹). البته این شفافیت شامل اطلاعاتی است مالی و پولی است که منافع و امنیت ملی را به خطر نیندازد. اگر این شفافیت مثل قانون FATF و دیگر قوانین شفافیت مالی باشد که منافع و امنیت ملی را خدشه‌دار نماید، ملاک شفافیت نیست.

۴-۲-۳- اثربخشی و کارآمدی

دولت مطلوب باید از دو ویژگی اثربخشی Efficiency و کارآمدی Effectively برخوردار باشد. اثربخشی به معنی رسیدن به اهداف تعیین شده برای دولت است و کارآمدی یعنی استفاده از حداقل امکانات برای رسیدن به اهداف تعیین شده (Yaghi, ۲۰۰۸: ۵۱). دولت برای کارآمد بودن باید به اندازه کافی آمادگی و آینده‌نگری در برابر تقاضاهایی که هنوز بیان نشده‌اند، داشته باشد. حتی ممکن است اقدامات دولت به خوبی طراحی و اجرا نشده باشند، اما فاد اولویتهای لازم و مطلوبیتهای مورد انتظار شهروندان باشد. بنابراین عملکرد آن دولت مهم است که در نهایت بر کیفیت زندگی مردم تاثیر مثبت داشته باشد و مردم به این کارآمدی صّحه بگذارند. کارآمدی دولت در وهله اول به این بستگی دارد که تا چه اندازه از عهده وظایفش در اداره امور داخلی قلمرو خود بر آمده است و تا چه حد نیازهای اجتماعی را شناسایی و راه‌حل‌های نوآورانه‌ای ابداع کرده است. در کارآمدی و اثربخش دولت، به این مسئله پرداخته می‌شود که آیا قوانین و مصوبات دولت بیانگر توانایی آن جهت واکنش کامل، پیوسته و خلاق به موضوعات مبتلابه بوده است؟ (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۲۲). ویسی به نقل از کافمن و همکارانش می‌نویسد: «کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال نهادهای ارائه کننده این خدمات دور از فشارهای سیاسی و اعتبار و ضمانت اجرایی تعهدات دولت به این خط‌مشی‌ها، بیانگر میزان اثربخشی دولت است» (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

۴-۲-۴- مسئولیت‌پذیری و پاسخگوئی (حساب‌پس‌دهی)

فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد در تعریف پاسخگوئی آورده است: «التزام نمایندگان به پاسخگوئی به مسائلی که در حیطه اختیارات و وظایف آنها قرار گرفته، پاسخگوئی به انتقاداتی که نسبت به آنها شده یا تقاضاهایی که از آنها صورت گرفته است و پذیرفتن برخی مسئولیتهای شکست، بی‌کفایتی یا فریب‌کاری (آکسفورد، ۱۳۸۱: ۱۱). این که شهروندان قادر باشند مقامات عالی‌رتبه دولت، اعضای پارلمان ملی و محلی را انتخاب کنند، از آزادی بیان، آزادی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

فعالیت‌های انجمنی، اجتماع، کار جمعی و آزادی رسانه‌ای برخوردار باشند، به نوعی حق اظهار نظر و حساب پس‌دهی است (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۹). میل و دال ویژگی کلیدی یک نظام دموکراسی را، پاسخگویی مداوم حکومت در برابر اولویت‌ها و خواسته‌های شهروندان خود می‌دانند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۱۹). در واقع می‌توان گفت ارزیابی مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت‌ها و دولتمردان بر اساس رضایت‌مندی یا عدم رضایت مخاطبان‌شان یعنی شهروندان یا مردم یک ملت می‌باشد.

۴-۲-۵- دولت الکترونیک (Electronic Government) و فضای مجازی سالم

«گاورننس الکترونیک» (Electronic Governance) مفهومی گسترده‌تر از دولت الکترونیک است که تنها متکی بر شبکه ارتباطی دولتی نبوده و در بر گیرنده همه بخش‌های شهروندی، خصوصی، عمومی و دولتی در فضای مجازی برای تحقق یک هدف مشترک است. در واقع، متناسب با تحولات اداره امور عمومی از دولت به گاورننس، دولت الکترونیک نیز باعث رضایت‌مندی شهروندان نشده و با نقش‌آفرینی شهروندان، بخش خصوصی، بخش عمومی و دولت و اجتماع آنان در فضای مجازی گاورننس الکترونیک به وجود آمده است. ظهور گاورننس الکترونیک باعث ایجاد سبک‌های جدیدی از رهبری و هدایت، شیوه‌های جدیدی از مذاکره و خط‌مشی‌سازی، راه‌های جدیدی از دسترسی به آموزش و گوش دادن به شهروندان و شیوه‌های جدیدی از ارائه افکار عمومی شده است. حوزه فعالیت و هدف‌گذاری دولت الکترونیک و گاورننس الکترونیک می‌تواند در مقیاس محلی، ملی یا بین‌المللی باشد؛ اما ارائه خدمات و فعالیت در فضای مجازی محور در مقیاس نیست و شهروندان محلی می‌توانند در همه جا به مشارکت، دریافت اطلاعات و کسب خدمات بپردازند (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۱۲۳). بر اساس تعریف یونسکو، گاورننس الکترونیک عبارت است از استفاده عمومی از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور بهبود ارائه خدمات و اطلاعات، تقویت مشارکت شهروندی در قفرایند تصمیم‌سازی و وادار ساختن دولت به پاسخگویی بیشتر، شفافیت و اثربخشی (UNESCO, ۲۰۱۱). ایجاد زیرساخت‌های دولت الکترونیک و فضای مجازی سالم به نوعی تولید علم و جنبش نرم‌افزاری است که مقام معظم رهبری سال‌هاست در جهت پیشرفت کشور و حرکت به سمت عدالت همگانی تأکید زیادی بر این امر خطیر داشته و از آن تحت عنوان یکی از حوزه‌های وسیع جنبش نرم‌افزاری جهت تحقق تمدن نوین اسلامی یاد می‌کنند. «ایشان در جایگاه فقیهی که رهبری حکومت اسلامی را بر عهده دارند، به موضوع تمدن اسلامی توجه کرده‌اند. در اندیشه ایشان، برای حل مشکلات جهان اسلام باید با یک «جنبش نرم‌افزاری» به تولید علم پرداخت و مقدمات ایجاد تمدن نوین اسلامی را در آینده ایجاد کرد. همان‌طور که در تاریخ گذشته اسلام نیز، تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳). حرکت و تلاش جهت نهادینه‌سازی دولت الکترونیک و فضای مجازی سالم یکی از شاخه‌های جنبش نرم‌افزاری است و جنبش نرم‌افزاری نیز، خود یکی از حوزه‌های تحول‌بنیادین علمی است که تحقق تمدن نوین اسلام را سبب خواهد شد. زیرا معصومی در حدیثی می‌فرماید: «العلم سلطان» علم باعث تولید قدرت می‌شود و جنبش نرم‌افزاری به نوعی تولید علم است.

۴-۲-۶- مردمی بودن حکمرانی

مردمی بودن حکمرانی بدین معناست که مردم در تعیین سرنوشت خود و مدیریت سیاسی جامعه خود سهیم باشند. دموکراسی عنوانی است که غربی‌ها بر مردمی بودن حکمرانی نهاده‌اند. کارل کوهن در این باره چنین می‌نویسد: «سازوکاری که بتواند برآیند آراء مردم برای اداره امور عمومی یک جامعه را به کرسی بنشانند، دموکراسی گویند. به عبارت ساده‌تر معنای دموکراسی، «حکومت کردن به وسیله مردم برای مردم»، «حکومت بر پایه رضایت»، فرمانروایی اکثریت»، «حکومت با حقوق برابری برای همه» و «حاکمیت خلق» است (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۲). به نظر می‌رسد دموکراسی تاکنون بهترین وسیله و ابزار کار برای عملی ساختن اثرگذار یاراده ملت در شیوه کار حکومت در اداره سرزمین است. بر همین اساس دموکراسی به والاترین آرمان سیاسی در سراسر جهان در آمده است و آن را جغرافیایی ترین گونه حکومت می‌دانند (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). اکنون بانفوذترین و رو به رشدترین رویکرد دموکراسی، «دموکراسی مشورتی» است که از ایده‌های یورگن هابرماس وام می‌گیرد و متکی بر استراتژی متنوع توسعه غیررسمی، مباحثه، تصمیم‌سازی و مشارکت ساختاری است. بنابراین مشورت، مشارکت و مذاکره سه رکن اصلی دموکراسی‌های مدرن است (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۸۱).

۴-۳- الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی برای تمدنی نوین

از دیدگاه اسلام، حرکت و مسیر تاریخ به سوی عبودیت و حاکمیت ارزش‌ها و متعالی شدن انسان است و اگر غیر از این می‌بود، حرکت تاریخ امری لغو و پوچ می‌نمود، هر چند در این حرکت فراز و فرودها، موانع و چالش‌هایی وجود داشته باشد (کارگر، ۱۳۶۸: ۴۵). ایدئولوژی اسلامی به ویژه از نوع شیعی آن آینده جهان را نه در دست حکومت‌ها، قدرت‌ها و تحولات اجتماعی و سیاسی دانسته، و نه فرجام آن را جبری می‌داند، بلکه جهان را صرفاً با ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان دارای فلسفه و آینده می‌داند (خزاعی و رجبی‌دوانی، ۱۳۹۴: ۸۹). به حکم ضرورت آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پُر از عدل و داد شده و با صلح و صفا، هم زیستی نماید و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند. البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود. رهبر چنین جامعه‌ای منجی جهان بشری و به لسان روایات مهدی (عج) خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۸). مقام معظم رهبری نگاهی آینده‌نگر و تمدن‌گرا به مسائل جهان اسلام دارند و قائل به رسالتی اساسی برای جمهوری اسلامی ایران در این حوزه هستند (فریدی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). به اعتقاد ایشان «ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم ... مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسأله این است که ملت ایران (همچنان که شأن اوست) در حال پدید آوردن یک تمدن است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳). تمدن اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که بتوانیم اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مبتنی بر اسلام را در همه روابط زندگی فردی و اجتماعی خود استقرار و عینیت ببخشیم؛ یعنی بتوانیم جلوه‌هایی از اعتقادات و ارزش‌های دینی را در معماری، شهرسازی، نحوه سازماندهی امور جامعه، روابط درونی خانواده‌ها، غذا خوردن، لباس پوشیدن و مناسبات اجتماعی مشاهده کنیم. همین‌طور مصادیقی از آن را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی مسلمانان بینیم (بنیانیان و علی‌احمدی، ۱۳۹۳). به طور کلی می‌توان گفت با اجرای الگوی حکمرانی مطلوب توسط دولت‌ها و دولتمردان و حرکت از وضعیت موجود به سمت و سوی وضعیت مطلوبی که اسلام برای یک جامعه و حکومت اسلامی ترسیم نموده می‌توان مقدمات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را فراهم نمود.

۵- نتیجه

حکمرانی مطلوب حرکت از «وضعیت نامطلوب» به «وضعیت مطلوب» بر اساس «راهبرد ترسیم الگوی حکمرانی مطلوب» می‌باشد؛ این تغییر و دگرگونی بایستی در ویژگی‌های بنیادین حکمرانی در ابعاد و سطوح مختلف اجرا و نهادینه شود. این ویژگی‌ها عبارتند از: مشارکت، شفافیت و جریان آزاد اطلاعات، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، محاسبه‌پذیری، اثربخشی و کارایی، دولت الکترونیک و فضای مجازی سالم، مردمی بودن و عدالت محوری. البته این دگردیدی در وضعیت موجود به راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود. این امر نیازمند الگو، برنامه و طرحی است که بر مبنای آن می‌توان چرخ‌های اقتصاد، فرهنگ، علم و فناوری و همچنین رفتارهای سیاسی، اجتماعی و کارکردهای امنیتی و محیط‌زیستی کشور را با گام‌هایی بلند به پیش راند. در واقع، با طراحی استراتژی پیشرفت در سه بازه زمانی «کوتاه مدت»، «میان مدت» و «بلند مدت» و بازخوردگیری مستمر و مداوم می‌توان به شتاب فزاینده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای به ثمر نشستن در نیم قرن آینده سرعت بخشید، به نحوی که جمهوری اسلامی ایران در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته شود و دارای ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی ایرانی باشد. لیکن این اتفاق مهم با تغییر برخی ساختارها و دگرگونی در سبک مدیریتی مدیران جامعه به مدیریت انقلابی و جهادی بر پایه‌های آرمان‌ها و ارزش‌های دینی امکان رشد و بالندگی پیدا خواهد کرد.

فهرست مراجع

(۱) کتاب‌ها

- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: موسسه نشر علم.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات وزارت کشور.
- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران: سمت.
- تاملین، فردریک. (۱۳۸۵). گزیده آثار توین‌بی. ترجمه: محمدحسین آریا، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). لغت‌نامه دهخدا، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- دورانت، ویل. (۱۳۹۰). مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه: احمد آرام، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زمانی، مصطفی. (۱۳۴۸). اسلام و تمدن جدید، قم: انتشارات علمیه.
- سبحانی، محمدقاسم. (۱۳۹۷). فرماندهی و مدیریت اسلامی، چاپ سوم، بهار، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز باقرالعلوم (علیه السلام).
- شریعتی، علی. (۱۳۸۹). تاریخ تمدن، جلد اول، تهران: نشر قلم.
- طاهرزاده، اصغر. (۱۳۸۹). تمدن‌زایی شیعه، چاپ اول، اصفهان: لب‌المیزان.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). شیعه در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کارگر، رحیم. (۱۳۶۸). جستارهایی در مهدویت، قم: مرکز تخصصی مهدویت.
- کوهن، کارل. (۱۳۷۳). دموکراسی، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: خوارزمی.
- لوکاس، هنری. (۱۳۶۶). تاریخ تمدن، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: کیهان.
- مجیرشیبانی، نظام‌الدین. (۱۳۳۷). تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی، تهران: دانشگاه تهران.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: انتشارات صدرا.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). فلسفه تاریخ، جلد اول، تهران: انتشارات صدرا.

میدری، احمد و جعفر خیرخواهان، (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.

ویسی، هادی، (۱۳۹۲)، درآمدی بر دولت محلی، چاپ اول، تابستان، تهران: سمت.

هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه: مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزرات امور خارجه.

هلد، دیوید. (۱۳۷۸). مدل‌های دموکراسی، ترجمه: عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

(۲) مقالات

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳). دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان ۱۳۸۳/۸/۵ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۳). پیام نوروزی سال ۱۳۷۳ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴). دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

بنیانیان، حسن و علیرضا علی‌احمدی. (۱۳۹۳). گفتگو، تحقق سبک زندگی اسلامی ایرانی ضرورتی گریزناپذیر در نیل به تمدن اسلامی، فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره ۱۱ و ۱۲.

جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۹۴). مبانی دینی تمدن از منظر اسلام، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.

خزاعی، علی و محمدحسین رجبی‌دوانی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی فرجام‌شناسی تمدنی، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.

دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۴). تمدن نوین اسلامی؛ بنیادها و چشم‌اندازها، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.

رستمی، ولی. (۱۳۸۷). مشارکت مردم در قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۱، صص ۲۰۴-۱۷۹.

فریدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.

قاضی‌زاده، سیدضیاءالدین. (۱۳۸۸). ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان‌های نظامی، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۴.

کلانتری، عبدالحسین؛ حسن ناصر خاکی و نجمه نجم. (۱۳۹۲). نظام معنایی گفتمان «اسلام‌سازی علم»، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۲ (۴)؛ ۵۹-۲۹.

محسنی‌تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱.

مختاریان‌پور، مجید. (۱۳۹۵). مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دو فصلنامه علمی-پوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان، صص ۳۰-۱۰.

مصباحی‌مقدم، غلامرضا. (۱۳۸۹). گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دیماه، صص ۲۲۵-۲۲۱.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۸۹). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی سازی علوم انسانی، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دیماه، صص ۷۵-۶۱.
وکیلی، سعید. (۱۳۹۲). هندسه طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت دفاعی، مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۱۳۶-۱۱۲۵.

مراجع انگلیسی

- Bailey, s. & Elliott, M. (۲۰۰۹). Taking Local Government Seriously: Democracy, Autonomy and the Constitution, Cambridge Law Journal, July, ۶۸(۲), pp. ۴۳۶- ۴۷۲.
- Erikson, r. & Tedin, k. (۲۰۰۴). American Public Opinion: Its Origin, Content, and Impact, New York: Longman Publishers.
- IMF Survey. (۱۹۹۴). Nov ۱۴, p. ۳۰۰.
- Johnson, I. (۱۹۹۷). Redefining the Concept of Governance.
- Lateef, k. S. (۱۹۹۲). "Comment on Governance and Development", by Boetninger, Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economics ۱۹۹۱, Supplement to the world bank Economic Review and Research Observer, The World Bank, Washington D.C.
- Raco, M. (۲۰۰۹). "Urban Governance", In International Encyclopedia OF Human Geography, Ed. Chief: Rob Kitchin and Nigel Therift, Amsterdam: Elsevier, pp. ۶۲۲- ۶۲۶.
- United Nation Development Program (UNDP). (۲۰۰۴). Decentralised Governance for Development: A Combined Practice Note on Decentralisation, Local Governance and Urban/ Rural Development.
- UNESCO ۹۲۰۱۱). Available from:<http://www.unesco.org/webworld/en/e-governance>.
- World Bank, (۱۹۸۹). Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth. A Long-Term Perspective Study, Washington D.C.
- Yaghi, A. (۲۰۰۸). Good Governance Practices by Local Administration in Jordan and USA, International Journal of Rural Management, ۴(۱&۲), pp.۴۷-۶۵.